

درسنامه حفظ حکمت‌های نهج البلاغه

موضوع	ترجمه	حکمت	ردیف
سفری به اعماق خویشتن	قیمت و ارزش هر کس به اندازه کاری است که می‌تواند آن را به خوبی انجام دهد.	قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَحْسِنُهُ/۸۱	۱
رمز و راز وجود انسان	از این انسان در شگفت شوید، به قطعه‌ای پیه می‌بیند و به پاره گوشتی سخن می‌گوید و به تکه استخوانی می‌شنود و از شکافی نفس می‌کشد.	اعْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ؛ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ، وَ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ، وَ يَسْمَعُ بِعَظْمٍ، وَ يَتَنَفَّسُ مِنْ خَرْمٍ/۱۲	۲
دروازه‌های دانش	بی‌ارزش‌ترین دانش‌ها آن است که تنها بر زبان متوقف شود و پرارزش‌ترین دانش‌ها آن است که در اعضا و ارکان بدن آشکار شود.	أَوْضَعُ الْعِلْمِ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ، وَ أَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ/۹۲	۳
نور و تاریکی در مسیر آگاهی	زبان عاقل پشت قلب او قرار دارد در حالی که قلب احمق پشت زبان اوست!	لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ، وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ/۴۰	۴
حلم و خویشتنداری	حلم همچون یک قوم و قبیله است (در یاری کردن انسان در مقابل سفیهان).	الْحِلْمُ عَشِيرَةٌ/۴۱۸	۵
کنترل نفس در مسیر کمال	پرهیزکاری، رئیس صفات پسندیده است.	التَّقِيُّ، رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ/۴۱۰	۶
خودشیفتگی و دام‌های نفس	خودپسندی انسان یکی از حسودان عقل اوست.	عَجِبُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ، أَحَدُ حُسَادِ عَقْلِهِ/۲۱۲	۷
خودسازی و ارتقاء نفس	انسان را با تکبر چه کار؟ در آغاز، نطفه بی‌ارزشی بود و سرانجام مرداری (گندیده) است. نمی‌تواند خود را روزی دهد و نه مرگ را از خود دور سازد.	مَا لِابْنِ آدَمَ وَ الْفَخْرِ؟! أَوْلَهُ نَطْفَةٌ وَ آخِرُهُ جِيفَةٌ، وَ لَا يَرْزُقُ نَفْسَهُ وَ لَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ/۴۵۴	۸
گشمنده مومن	این قلب‌ها همچون بدن‌ها ملول و افسرده می‌شوند برای رفع ملالت آن‌ها لطائف حکمت‌آمیز را انتخاب کنید.	إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ، فَأَبْتَعُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ/الْحِكْمِ/۹۱	۹
پالایش روح	در شگفتی از کسی که نومید می‌شود در حالی که استغفار با اوست.	عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ، وَ مَعَهُ الْاسْتِغْفَارُ/۸۷	۱۰
استقامت در مسیر زندگی	کسی که صبر و شکیبایی او را نجات ندهد، بی‌تابی او را از پای در می‌آورد.	مَنْ لَمْ يَنْجِهْ الصَّبْرُ، أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ/۱۸۹	۱۱

درسنامه حفظ حکمت‌های نهج البلاغه

درس‌های زندگی از تجربه‌های کوچک	از بخشش کم حیا مکن، زیرا محروم کردن، از آن هم کمتر است.	لَا تَسْتَحْ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ، فَإِنَّ الْجِرْمَانَ أَقْلُ مِنْهُ/ ۶۷	۱۲
عبور از شعار تا تحقق باورها	آنکس که مردم را (به نیکی‌ها) فرا می‌خواند؛ ولی خود به آن عمل نمی‌کند مانند کمانداری است که با کمان بدون زه می‌خواهد تیراندازی کند.	الدَّاعِيَ بِلَا عَمَلٍ، كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ/ ۳۳۷	۱۳
شکاف میان نیت و عمل	برای اصلاح خویشتن همین بس که از آنچه برای دیگران نمی‌پسندی اجتناب ورزی.	كَفَاكَ أَدَبًا لِنَفْسِكَ، اجْتِنَابُ مَا تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ/ ۴۱۲	۱۴
واقع‌بینی در سپهر هستی	تلخی دنیا شیرینی آخرت است و شیرینی دنیا تلخی آخرت.	مَرَارَةُ الدُّنْيَا، حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ؛ وَ حَلَاوَةُ الدُّنْيَا، مَرَارَةُ الْآخِرَةِ/ ۲۵۱	۱۵
آسایش دو گیتی	آیا آزادمردی پیدا نمی‌شود که این ته مانده غذا را به اهلس واگذارد؟ بدانید وجود شما بهایی جز بهشت ندارد آن را به چیزی جز بهشت نفروشید.	أَلَا حَرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا؟ إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةَ، فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا/ ۴۵۶	۱۶
پیشوایان راه بلد	خداوند سبحان، طاعت خود را غنیمت زیرکان قرار داده هنگامی که افراد ناتوان (و هوسباز) کوتاهی می‌کنند.	إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الطَّاعَةَ غَنِيمَةً الْأَكْبَاسِ، عِنْدَ تَفْرِيطِ الْعَجْزَةِ/ ۳۳۱	۱۷
قدردانی آگاهانه از نعمات الهی	هنگامی که مقدمات نعمت‌ها به شما روی آورد ادامه آن را به واسطه کمی شکرگذاری از خود دور نسازید.	إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعَمِ، فَلَا تُنْفَرُوا أَفْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ/ ۱۳	۱۸
گفتگوی صمیمانه با خالق هستی	آنکس که به شدت به بلا مبتلاست از کسی که مبتلا نیست ولی در هیچ لحظه ایمن از بلا نمی‌باشد، محتاج‌تر به دعا نیست.	مَا الْمُبْتَلَى الَّذِي قَدْ اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ، بِأَحْوَجَ إِلَى الدُّعَاءِ [مِنَ الْمُعَافَى] الَّذِي لَا يَأْمَنُ الْبَلَاءَ/ ۳۰۲	۱۹
رهایی از وابستگی تا وارستگی	برترین نوع پارسایی، مخفی داشتن پارسایی است.	أَفْضَلُ الزُّهْدِ، إِخْفَاءُ الزُّهْدِ/ ۲۸	۲۰
برنامه ریزی برای فردائی بهتر	برای هر کس سرانجامی است، شیرین یا تلخ.	لِكُلِّ امْرِئٍ عَاقِبَةٌ، حُلْوَةٌ أَوْ مَرَّةٌ/ ۱۵۱	۲۱

درسنامه حفظ حکمت‌های نهج البلاغه

تسخیر فرصت‌های زندگی	از دست دادن فرصت مایه غم و اندوه است.	إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ، غُصَّةٌ/ ۱۱۸	۲۲
هنر کلام و تاثیر گذاری	هنگامی که عقل کامل گردد سخن کم می شود.	إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ، نَقَصَ الْكَلَامُ/ ۷۱	۲۳
خرد جمعی	کسی که (ترک مشورت کند و) استبداد به رأی داشته باشد هلاک می شود و آن کس که با مردان بزرگ مشورت کند در عقل و خرد آن‌ها شریک می شود.	مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا/ ۱۶۱	۲۴
پیوندهای پایدار	عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوستان عاجز باشد و از او عاجزتر کسی است که دوستانی را که به دست آورده از دست بدهد.	أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ، وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفِرَ بِهِ مِنْهُمْ/ ۱۲	۲۵
منشور روابط انسانی	بدترین برادران (دوستان) کسی است که برای پذیرایی از او (ناچار باشی) خود را به زحمت افکنی.	شَرُّ الْإِخْوَانِ، مَنْ تَكَلَّفَ لَهُ/ ۴۷۹	۲۶
تعادل پویا در زندگی متلاطم	سخاوتمند باش و در این راه اسراف مکن و در زندگی حساب گر باش و سخت گیر مباش.	كُنْ سَمِحًا وَ لَا تَكُنْ مُبَدِّرًا، وَ كُنْ مُقَدِّرًا وَ لَا تَكُنْ مُقْتَرًا/ ۳۳	۲۷
هم افزایی اجتماعی و شکوفایی جمعی	آن گونه با مردم معاشرت کنید که اگر بمیرید بر مرگ شما اشک بریزند و اگر زنده بمانید به شما عشق ورزند.	خَاطَبُوا النَّاسَ مُحَالَطَةً إِنْ مِتُّمْ مَعَهَا بَكَوْا عَلَيْكُمْ، وَ إِنْ عِشْتُمْ حَنَوْا إِلَيْكُمْ/ ۱۰	۲۸
مهارت سازگاری و اثربخشی	از دنیا همان قدر را بگیر که به سراغ تو می آید و از آنچه از تو روی گردانده روی بگردان و اگر چنین نمی کنی لااقل در طلب دنیا به صورت معقول تلاش کن.	خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا آتَاكَ، وَ تَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّى عَنْكَ، فَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ، فَاجْعَلْ فِي الطَّلَبِ/ ۳۹۳	۲۹
آغازی برای سقوط	ای فرزند آدم! هنگامی که می بینی پروردگارت نعمت‌هایش را پی در پی بر تو می فرستد در حالی که تو معصیت او را می کنی از او بترس (مبادا مجازات سنگینش در انتظار تو باشد).	يَا ابْنَ آدَمَ، إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ يَتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَ أَنْتَ تَعْصِيهِ، فَاحْذَرَهُ/ ۲۵	۳۰
هنر مدیریت تعارض	هنگامی که بر دشمنت پیروز شدی، عفو را شکرانه این پیروزی قرار ده.	إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ، فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنَهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ/ ۱۱	۳۱

درسنامه حفظ حکمت‌های نهج البلاغه

آزمایش‌های الهی	کسی که مصیبت‌های کوچک را بزرگ شمارد خداوند او را به مصائب بزرگ مبتلا می‌سازد.	مَنْ عَظَّمَ صِغَارَ الْمَصَائِبِ، ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِكِبَارِهَا/ ۴۴۸	۳۲
موانع خردورزی	هیچ کس شوخی (نامناسبی) نکرد، مگر این که مقداری از عقل خود را فرو ریخت.	مَا مَزَحَ امْرُؤٌ مَزْحَةً، إِلَّا مَجَّ مِنْ عَقْلِهِ مَجَّةً/ ۴۵۰	۳۳
زندانی در حصار مال	بخل، جامع تمام عیوب است و وسیله ای است که انسان را به هر بدی ای می‌کشاند.	الْبَخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ، وَ هُوَ زِمَامٌ يُقَادُّ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ/ ۳۷۸	۳۴
سرمایه‌گذاری معنوی و بازدهی اجتماعی	روزی را به وسیله صدقه فرود آورید.	اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ/ ۱۳۷	۳۵
صبر در طوفان‌های زندگی	هرکس همچون آزادگان شکیبیا باشد (به اجر صابران خواهد رسید) و گرنه همچون جاهلان، خود را به غفلت می‌زند (و بی‌نصیب خواهد بود).	مَنْ صَبَرَ صَبَرَ الْأَحْرَارِ، وَ إِلَّا سَلَا سَلَوُ الْأَعْمَارِ/ ۴۱۳	۳۶
دادگری و عدالت	روز اجرای عدل بر ستمگر، سخت‌تر است از روز ظلم کردن ستمگر بر مظلوم.	يَوْمُ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ، أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ/ ۳۴۱	۳۷
پیروی از امام علیه السلام	هرگز دروغ نگفته‌ام و هیچ گاه دروغ به من گفته نشده است (اشاره به این که آنچه پیامبر به من فرموده است راست و درست بوده است) و هرگز گمراه نبوده‌ام و کسی نیز به وسیله من گمراه نشده است.	مَا كَذَبْتُ وَ لَا كُذِّبْتُ وَ لَا ضَلَلْتُ وَ لَا ضَلَّ بِي/ ۱۸۵	۳۸
مسیر رهائی از ظلم	باز ماندگان شمشیر، دوام و بقایشان فزون‌تر و فرزندان‌شان بیشترند.	بَقِيَّةُ السَّيْفِ [أَنْمَى] أَبْقَى عَدَدًا وَ أَكْثَرَ وُلْدًا/ ۸۴	۳۹
آینده دردناک ستمکاران	بدترین توشه برای آخرت ستم بر بندگان (خدا) است.	بِئْسَ الزَّادُ إِلَى الْعَدْوَانِ عَلَى الْعِبَادِ/ ۲۲۱	۴۰